

پائن برگ: الھیات تاریخی

| آلن گالوی | مراد فرهادپور |

PANNENBERG: Historical Theology

| Allan Douglas Galloway | Morad Farhadpour |





پاین برگ: الهیات تاریخی

آلن گالوی

ترجمه مراد فرهاد پور

ویراستار: بابک بیات

نمونه‌خوان: فرشید گرد مافی، مهرداد اصیل

مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش نصاعدیان

صفحه‌آرایی: آلا شوپز

مدیر تولید: مصطفی شریفی

چاپ اول، ۱۳۹۷ تهران، ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۰۶-۶۵-۴

 Bidgol Publishing co. | انتشار بی دگل

تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷، تلفکس: ۲۸۴۲۱۷۱۸

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، پلاک ۱۲۷۴

تلفن فروشگاه: ۶۶۴۶۳۵۴۵، ۶۶۹۶۳۶۱۷

bidgolpublishing.com

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.



۷	پیشگفتار مترجم
۳۳	مقدمه. زندگی و آثار
۳۵	فصل اول. انسان‌شناسی کلامی
۶۳	فصل دوم. وحی به مثابه تاریخ
۷۵	فصل سوم. ایمان و تاریخ
۹۳	فصل چهارم. پس‌زمینه آخرالزمانی عیسی و پیام او
۱۰۷	فصل پنجم. رخدادهای معنای رستاخیز
۱۲۷	فصل ششم. مفهوم خدا نزد یهودیان و یونانیان
۱۴۳	فصل هفتم. تثلیث در توحید
۱۶۳	فصل هشتم. عیسی
۱۸۳	فصل نهم. نتیجه‌گیری
۱۹۳	منابع و مآخذ

پیشگفتار مترجم

از دوره می‌توان با نام ولفهارت پانن‌برگ آشنا شد: از طریق مطالعه آثار مربوط به الهیات مسیحی - به ویژه الهیات پروتستان دهه ۱۹۶۰ به بعد - یا از رهگذر قرائت کتاب‌ها و مقالات مربوط به مبحث هرمنوتیک - به ویژه هرمنوتیک فلسفی متأثر از آرای هایدگر و گادامر.

کتاب حاضر به راه نخست تعلق دارد و می‌کوشد توصیفی فشرده و جامع از الهیات پانن‌برگ به دست دهد. این کتاب جزئی از «مجموعه متفکران دینی معاصر» است که هدف اصلی آن، به گفته پروفیسور ه. د. لوئیس، ویراستار کل مجموعه، ارائه ارزیابی و سنجشی انتقادی از آثار برخی متفکران دینی برجسته و بانفوذ روزگار ماست. طبیعتاً بخش مهمی از مطالب و مضامین کتاب‌های این مجموعه به بحث درباره مفاهیم، مناسک، اصول اعتقادی و آموزه‌های مسیحی اختصاص دارد. به دلیل نسبت خاص الهیات پروتستان با فلسفه عصر جدید، و پیوند هر دو آن‌ها با ذهنی‌گرایی، سنت تفکر دینی پروتستان رفته رفته از محتواهای مشخص و انضمامی آموزه‌های مسیحی دور گشته و به انحای مختلف کوشیده است تا این محتواها را در نظام‌های فلسفی غیرتاریخی یا گفتارهای معنوی و دینی کلی‌گرا حل کند. برای بسیاری متألهان لیبرال قرن نوزدهم که از فلسفه و دیدگاه اخلاقی کانت الهام می‌گرفتند، محتوای انضمامی آموزه‌های سنتی مسیحیت در بسیاری موارد معرف خرافه‌پرستی

ضدعقلانی و موجب خجالت و شرمساری بود، درحالی‌که از دید اخلاف آگزیستانسیالیست آن‌ها، مسئله اصلی کشف معنای نمادین این آموزه‌ها در پس محتوا و شکل «اسطوره‌ای» آن‌ها بود. به دلیل سرشت تاریخی الهیات پان‌برگ، کتاب حاضر در جهت عکس این گرایش عمومی حرکت می‌کند، و بی‌تردید این امر برای خواننده غیرمسیحی دشواری‌هایی به‌همراه خواهد داشت. در ترجمه فارسی تلاش شد تا با افزودن پانوشته‌ها، حتی المقدور، از این دشواری‌ها کاسته شود. البته الهیات پان‌برگ نیز یکسره در تاریخ خلاصه نمی‌شود و مؤلف کتاب نیز کوشیده است تا جنبه‌های فلسفی و متافیزیکی اندیشه او را برجسته سازد. در واقع، بسط توان‌های فلسفی نهفته در آرای کلامی پان‌برگ و تأکید نهادن بر اهمیت و ضرورت کشف بنیادی متافیزیکی برای الهیات او حرف اصلی آلن گالووی و مهم‌ترین انتقاد او از پان‌برگ است. البته این نکته که بعداً بدان خواهیم پرداخت، جای بحث بسیار دارد. در هر حال، درک درست دیدگاه و روش تاریخی پان‌برگ، مستقل از فهم چگونگی اعمال این روش و نتایج حاصل از آن، ناممکن است. نباید از یاد برد که تفکر تاریخی پان‌برگ نیز نظیر فلسفه تاریخی هگل، مستقیم و غیرمستقیم، ملهم از اندیشه و ایمان مسیحی است؛ پیوند دیالکتیکی الهیات و تاریخ حاکی از جدایی‌ناپذیر بودن این دو سویه متمایز در متن تفکر دینی است. از این‌ها گذشته، معنا و ارزش هرمنوتیک، نهایتاً در همدلی، همدردی و فهم دیگری خلاصه می‌شود. بنابراین، خواننده‌ای که جویای حقیقت است، باید براهین کلامی پان‌برگ در باب تثلیث و تجسد و... را، درست همانند براهین فلسفی او در باب هستی‌شناسی و معرفت و غیره، به‌دقت دنبال کند.

در یگانه پانوشته فصل آخر کتاب، گالووی به سرعت و گذرا به این نکته اشاره می‌کند که سویه هرمنوتیکی اندیشه پان‌برگ را صرفاً غیرمستقیم و ضمنی مورد بررسی قرار داده است، زیرا «تلخیص و توصیف موجز این جنبه از کار او بسیار دشوار است». نحوه بیان این نکته حاکی

از آن است که این عذر و بهانه حتی از دید خود او نیز چندان موجه نیست. پرداختن به «جنبه هرمنوتیکی» الهیات پانن برگ - به ویژه تشریح موارد توافق و اختلاف نظر او با هرمنوتیک فلسفی گادامر - قدر مسلم می‌توانست به شناخت بهتر آرای پانن برگ یاری رساند. نادیده گرفتن این جنبه هرمنوتیکی یکی از عوامل مهم بروز خطاهایی است که در بخش پایانی این مقدمه بدان‌ها خواهیم پرداخت. موضع اصلی گالووی در مورد فقدان زیربنای متافیزیکی نیز عمیقاً متأثر از همین غفلت است. با این همه، نباید از یاد برد که کتاب حاضر جزئی از یک مجموعه است و در این‌گونه مجموعه‌ها معمولاً حجم کتاب و نحوه ارائه مطالب، از قبل بنا بر اهداف مجموعه و نیاز مخاطبان، تعیین می‌شود. به علاوه، کتاب در سال ۱۹۷۳، یعنی در ابتدای تحول موسوم به «چرخش هرمنوتیکی» و رواج مفاهیم و مباحث مربوط به هرمنوتیک، نوشته شده است. در ادامه این نوشته خواهیم کوشید تا با پرداختن به رابطه الهیات و هرمنوتیک و تحول تاریخی آن، این نقص را حتی المقدور جبران کنیم؛ هر چند که نادیده گرفتن محاسن کتاب گالووی در مقام توصیفی موجز و جذاب از الهیات پانن برگ که توانسته است در فضایی محدود، بخش اعظم استدلال و موضع کلامی او را با زبانی گویا و رسا بازسازی کند، عین بی‌انصافی است.

مقدمه

زندگی و آثار

ولفهارت پانن‌برگ، متولد ۱۹۲۸، یکی از برجسته‌ترین چهره‌های نسل جدید متألّهان آلمانی است. او در ۱۹۵۰ در شهر بازل، زیر نظر کارل بارت به تحصیل الهیات پرداخت. در ۱۹۵۱ به هایدلبرگ رفت و در این شهر همراه با گروهی از دانشجویان محقق، نقشی مرکزی در جریانی فکری ایفا کرد که هنوز هم گه‌گاه «حلقه پانن‌برگ» خوانده می‌شود. همین گروه بود که مجلد موسوم به وحی به‌مثابه تاریخ را به ویراستاری پانن‌برگ منتشر کرد. این اثر اولیه کلید درک بسیاری از تحولاتی است که از آن زمان تاکنون رخ داده است. پس از تکمیل تحقیقات مربوط به رتبه دکتری خویش، پانن‌برگ در هایدلبرگ مشغول تدریس شد. او در سال ۱۹۵۸ مقام پروفیسور الهیات جامع را در حوزه کلیسایی واقع در وپرتال (Wuppertal) عهده‌دار شد. در سال ۱۹۶۱ کرسی الهیات جامع در ماینس (Mainz) به او واگذار شد. وی از سال ۱۹۶۸ به بعد، در همین مقام، در شهر مونیخ مشغول تدریس بوده است.

تأثیر آرای پانن‌برگ نخستین بار در پایان دوره‌ای آشکار شد که سه متألّه برجسته، یعنی بارت، بولتمان و تیلیش، سرآمد آن بودند. برای این سه، علم تاریخ انتقادی مسئله‌ساز بود. برای پانن‌برگ، این علم پاسخ‌های لازم را فراهم می‌آورد. ظهور این رابطه جدید میان تحقیقات تاریخی و الهیات جامع - که به واسطه آن تاریخ بیش از آنکه به شک

دامن زند، منبع اعتماد و اطمینان شد و الهیات نیز به منبعی باورپذیر برای فلسفه تاریخ بدل گشت - نشانگر تغییری ژرف در تمام منش و گرایش الهیات است.

این امر چهرهٔ تمامی مسائل سنتی الهیات را دگرگون کرده است - از نسبت میان تعالی و درون‌ماندگاری، مقدس و دنیوی گرفته تا رابطهٔ بین عقل و ایمان، خدا و جهان، کلیسا و جامعه، و علم اخلاق و معادشناسی. علاوه بر پان‌برگ، کسان دیگری هم در ایجاد این دگرگونی مؤثر بوده‌اند. اما او دید روشن‌تری نسبت به نتایج سیستماتیک و گسترده‌تر این تحولات داشته است.

کتاب او در باب عیسی: خدا و انسان به طرز چشم‌گیری اصیل و بدیع است - نخست به این دلیل که در قیاس با وضعیت چند قرن گذشته، تعالیم انجیلی در باب عیسی مسیح را باورپذیرتر ساخته است؛ و دوم به دلیل ارائهٔ تفاسیری به‌غایت بدیع و ابتکاری در مورد سنت‌های کهن مسیحی.

از صدر مسیحیت تاکنون، مسئلهٔ تفسیر تعالیم عیسی دربارهٔ ظهور ارض ملکوت یا شهریاری خداوند معضل مرکزی الهیات مسیحی بوده است. ما تمایل داریم هراز چند گاهی از این نکته غافل شویم، و همهٔ متألهان بزرگ نیز همواره متذکر آن بوده‌اند. پان‌برگ در این کار به شیوه‌ای بس متهوّرانه عمل کرده است. باید اذعان کرد برخی از آرای او - نظیر اعتقاد به «اولویت هستی‌شناسانهٔ آینده» - هنوز تا حدی خام‌اند؛ ولی پان‌برگ هنوز نسبتاً جوان است و آثار نانوشتهٔ بسیاری پیش رو دارد. در حال حاضر، او سرگرم تدقیق و پرداخت روایت خویش از نظریهٔ معرفت است، نظریه‌ای بنیانی که در پرس نظام فکری او نهفته است. در آینده از او بسیار خواهیم شنید.